



- معنا شناسی جهان بینی قرآنی -

دکتر اعظم پویا - مدرس

۱) semantic

۲) ایزوتسو در سال ۱۹۱۴ در توکیو به دنیا آمد و تحصیلات خود را در ژاپن به پایان رسانید. او ابتدا به تدریس متون فلسفی یونانی و لاتین پرداخت و مدتی نیز به تدریس مباحث علم زبان شناسی و معنا شناسی مشغول و از این راه به زبان عربی علاقه مند شد. او برای نخستین بار قرآن کریم را از عربی به ژاپنی ترجمه کرد.

آنگاه با فلسفه اسلامی آشنا شد و «نجات» ابن سینا و «الاقتصاد فی الاعتقاد» غزالی را در دانشگاه مک گیل تدریس کرد.

ایزوتسو در زمینه علوم اسلامی صاحب آثار نفیسی است. کتاب «مفاهیم اخلاقی در قرآن» از آثار مهم اوست که آقای دکتر فریدون بدره‌ای آن را به فارسی ترجمه کرده است.

کتاب «خدا و انسان در قرآن» مجموعه سخنرانیهای نویسنده در بهار سال ۱۹۶۲ است که به درخواست دکتر ویلفرد کنتول اسمیت رئیس دانشگاه مک گیل در آن زمان انجام شد و با تفصیل بیشتر توسط نویسنده به چاپ رسید.

کتاب «خدا و انسان در قرآن» اثر دکتر توشیهیکو ایزوتسو^۲، استاد دانشگاه کیو^۳ در ژاپن و استاد فلسفه دانشگاه مک گیل کانادا است که از سوی آقای احمد آرام به فارسی ترجمه شده است. کتاب مذکور دارای ۹ فصل است که اجمالاً این فصول را معرفی می‌کنیم:

فصل اول

در این فصل نویسنده نام «معنا شناسی قرآن» را برای این کتاب ترجیح می‌دهد و علت نامگذاری آن به «خدا و انسان در قرآن» را این می‌داند که این کتاب انحصاراً به مسأله رابطه شخصی میان خدا و انسان در جهان بینی قرآن می‌پردازد و مباحث دیگر را در اطراف این موضوع متمرکز می‌کند. در واقع «معنا شناسی قرآن» یک عنوان کلی است برای بررسی مفاهیم کلیدی قرآن که «خدا و انسان در قرآن»، بخشی از این مفاهیم است.

ما می‌توانیم با دیدگاههای مختلف

معنا شناسی یا سمانتیک^۱ مدت کوتاهی است که پای در عرصه علوم مدون گذاشته است. پیش از این در کتابهای منطق و در حوزه علوم اسلامی در بخشی از اصول فقه رد پای این علم را در بحث الفاظ می‌بینیم. اکنون نیز که علم مدون معنا شناسی در میان علوم مغرب زمین دوران جوانی خود را سپری می‌کند، در آغوش حوزه فرهنگ دینی ما به گرمی پذیرفته نیست. یکی از مسائل مهمی که در شناخت قرآن سهم مؤثری دارد، شناخت جهان بینی معنایی قرآن است که می‌توان با مطالعه کتابهای مفید «خدا و انسان در قرآن» به آن دست یافت. به همین جهت کتاب را که نخستین گام را در مسیر شناخت جهان بینی معنایی قرآن برداشته است مناسب معرفی می‌یافتیم.

آن معنای کلمه است که هرگاه کلمه منفرد و منزول از دیگر کلمات در نظر گرفته شود و از قرآن بیرون آورده شود، آن معنا را حفظ کند؛ مانند کلمه «کتاب» که به معنای «نوشته و نامه» است و معنای «نسبی» آن معنایی است که این کلمه هنگام ورود به یک شبکه تصویری جدید، به خاطر ارتباطات متعددش با کلمات دیگر پیدا می‌کند. مثلاً «کتاب» در قرآن یک تصور دینی خاص است که با هاله‌ای از قدسیت احاطه شده و به خاطر ارتباط خاص آن با کلمات مهم قرآنی مثل «الله»، «وحی»، تنزیل، نبی و اهل دارای معنای جدیدی شده و نسبت به شبکه مفاهیم جدید این معنا را پیدا کرده است و معنایی درونی و ذاتی برای این کلمه نیست.

ایزوتسو در تحول معنایی مفاهیم به این مطالب اشاره می‌کند که گاه نظام تصویری جدید چنان با قوت روی یک کلمه عمل می‌کند که کلمه به صورت کلمه جدیدی در می‌آید و در واقع ما شاهد تولد کلمه تازه‌ای خواهیم بود؛ مثلاً معنای اساسی «کفر» ناسپاسی در مقابل احسان شخصی «محسن» است؛ اما این کلمه در میدان معنا شناختی جدیدی که مرکز آن را ایمان به خدا تشکیل می‌دهد، معنای «بی‌باوری» را پیدا کرده است.

فصل دوم

این فصل تحت عنوان «اصطلاحات کلیدی قرآن در تاریخ» شامل دو بخش

چگونگی نگرش قرآن به جهان یعنی اجزای سازنده جهان هستی و ارتباط آنها را با یکدیگر بررسی کند.

آنچه ایزوتسو در این کتاب دنبال می‌کند، بررسی مفاهیم و تصورات منفرد قرآن نیست؛ بلکه او می‌خواهد مجموعه روابط متعدد یک واژه را در یک شبکه تصویری بررسی کند.

او معتقد است اصطلاحات کلیدی قرآن اصطلاحات تازه‌ای در ادبیات عرب نیست؛ بلکه در ادبیات قبل از اسلام رایج بوده و اعراب پیش از نزول قرآن با این واژه‌ها آشنا بوده‌اند. قرآن تنها نظام ساختمانی مجموعی و طرز استعمال کلی آن در متن قرآن را تغییر داد که در نظر مشرکان مکه شگفت‌انگیز، ناآشنا و بنابر این غیر قابل قبول می‌نمود. در واقع قرآن تصورات شبکه تصویری اعراب را جابجا کرد و با این تغییر موضوع شبکه جدیدی از تصورات به وجود آورد که منجر به تشکیل جهان بینی جدیدی شد. این جابه‌جایی گاه به صورت جابه‌جایی ظریفی است که در تأکید مطلبی می‌شود و گاه به صورت ارتقای جنبه عاطفی اصطلاحات است.

ایزوتسو با بررسی مفهوم «الله» و تحول معنایی آن از دوران پیش از اسلام به دوران اسلام کار خود را آغاز می‌کند. برای رسیدن به مقصود خویش معنای «اساسی» یک واژه و معنای «نسبی» آن را بسخوبی از هم تفکیک می‌کند و این تفکیک را برای تحقق هدف این کتاب لازم می‌داند.

منظور او از معنای «اساسی» یا «پایه»

کلامی، فلسفی، جامعه‌شناسی و صرف و نحو به قرآن بنگریم.

معنا شناسی نیز یکی دیگر از این دیدگاه‌هاست. ایزوتسو ترکیب «معنا شناسی قرآن» را بر دو نکته استوار می‌داند:

۱- قرآن، که همانا مجموعه واژگان قرآن است و مواد معنا شناسی را تشکیل می‌دهد.

۲- معنا شناسی که نماینده جنبه روانشناسی این کتاب است.

وی منظور از روش معنا شناسی را همان تحلیل تصویری واژگان قرآن می‌داند. او معتقد است که ما هنوز علم یکنواخت و سازمان یافته معنا شناسی را در اختیار نداریم؛ بنابراین این هر کس درباره معناشناسی سخن می‌گوید باید منظور خود را از آن روشن کند. و منظور خود را از معنا شناسی چنین بیان می‌کند:

«تحقیق و مطالعه تحلیلی درباره کلمات کلیدی زبان است تا سرانجام جهان بینی قومی شناخته شود که آن زبان را نه تنها به عنوان وسیله سخن گفتن و اندیشیدن، بلکه مهمتر از آن همچون وسیله‌ای برای تصور کردن و تفسیر کردن جهان پیرامونش، به کار می‌برد.»

ایزوتسو اینگونه معنا شناسی را گونه‌ای از علم تحقیق در ماهیت و ساخت جهان بینی یک ملت در دوره خاصی از تاریخ^۱ می‌داند. بنابر این منظور از قرآن در «معنا شناسی قرآن» جهان بینی قرآنی است؛ یعنی نگرش قرآن به جهان.

معنا شناسی قرآن گونه‌ای از وجودشناسی می‌شود؛ زیرا می‌خواهد

است:

- ۱- معنا شناسی همزمان و زمانگذر
- ۲- قرآن و دستگاههای پس از دستگاه قرآنی

در بخش اول، نویسنده تأکید می‌کند که برای پژوهش و شناخت تاریخ کلمات کلیدی قرآن، جزء پیش از اسلام آن مورد نظر است و سه دلیل را برای اهمیت مطالعه معنا شناختی تاریخی بیان می‌کند:

نخست آنکه مطالعه فرآیند تاریخی «واژگان» از زوایای دور و نزدیک باعث حصول دیدی ژرفتر نسبت به آن می‌شود. دوم آنکه جستجوی تکامل معنا شناختی بعضی از اصطلاحات کلیدی قرآن، در دستگاههایی غیر قرآنی که با گذشت زمان در جهان اسلام به وجود آمده بود، فرصت تاباندن روشنی تازه‌ای بر خصوصیت آن معانی در خود قرآن را فراهم می‌آورد.

سوم آنکه مطالعه دقیق یک معناشناسی تاریخی، مسزایا و محدودیتهای روشها و اصول معناشناسی ایستان را روشن می‌کند.

ایزوتسو برای ورود به بحث، دو دیدگاه روانشناختی متفاوت را نسبت به واژگان مطرح می‌کند: دیدگاه «زمانگذر»^۱ و دیدگاه «همزمان»^۲.

دیدگاه زمانگذر همانطور که از نامش پیداست، دیدی از زبان است که بر عنصر زمان تأکید دارد. دیدگاه همزمان، دیدی از زبان است که واژگان را در مقطعی از تاریخ

در یک برش افقی مورد مطالعه قرار می‌دهد. این دید به گذشته یک دستگاه زبانی و نحوه تحول آن نمی‌نگرد؛ بلکه این دستگاه را ایستان - بدون در نظر گرفتن تحولات تاریخی آن - مورد مطالعه قرار می‌دهد.

نویسنده برای نشان دادن تسلط قرآن و اثر زبان شناختی آن بر زبان عربی سه سطح معنا شناختی متفاوت را در تاریخ قدیم زبان عربی در نظر می‌گیرد:

- ۱- عصر جاهلی (پیش از قرآن)
- ۲- عصر نزول
- ۳- پس از نزول قرآن، خصوصاً دوره عباسی

او مرحله نخستین را دارای سه دستگاه کلمات با سه جهان بینی مختلف می‌داند:

- ۱- واژگان بدوی محض که کهنترین برجسته‌ترین جهان بینی صحرائشینی را نمایش می‌دهد.

۲- واژگان بازرگانی که طبیعتاً با واژگان نخستین ارتباط نزدیک داشته و بر اساس آن بنا شده بود.

- ۳- واژگان یهودی - نصرانی که دستگاهی از اصطلاحات دینی رایج در میان جهودان و ترسایان ساکن عربستان بود و دستگاه معنایی حنیفیان رانیز شامل می‌شد.

آنگاه نویسنده به بررسی واژه محوری قرآن «الله» و سپس به «تقوا» و «کرم» می‌پردازد.

در بخش دوم این فصل به مهمترین دستگاههای فکری دوره‌های پس از قرآنی

پرداخته می‌شود که مهمترین آنها علم کلام، فقه، فلسفه، تصوف و عرفان است.

فصل سوم

در این فصل تحت عنوان «ساخت اساسی جهان بینی قرآنی» مهمترین مفاهیم متقابل در قرآن از جمله خدا و انسان، امت اسلامی و اهل کتاب، منافقان و کافران، غیب و شهود، جهان حاضر و جهان دیگر (دنیا و آخرت)، جهنم و بهشت مورد بررسی قرار گرفته است. پس به بررسی مفهوم خدا نزد جهودان و ترسایان، یهود و نصارا و حنیفیان می‌پردازد.

فصل چهارم

این فصل با عنوان «رابطه وجود شناختی میان خدا و انسان» به بررسی تحول معنایی تصور و مفهوم آفرینش از جهان بینی جاهلیت به دوران اسلام می‌پردازد.

فصل پنجم

عنوان این فصل رابطه تبلیغی یا ارتباطی میان خدا و انسان است. در این فصل نویسنده به ارتباط غیر زبانی میان انسان و خدا می‌پردازد. بدین منظور آیات الهی، هدایت الهی و عبادت همچون وسیله‌ای برای ارتباط مورد مطالعه قرار

می‌گیرد.

ایزوتسو در این فصل به تحلیل معنا شناسی واژه «آیه» قبل از اسلام و تحول معنایی آن در دوران اسلام می‌پردازد. معنای رمز، نشانه و نماد که معنای واژه «آیه» است، نشان می‌دهد همانطور که علامات راهنمای کنار جاده نباید تمام حواس مسافر را به خود جلب کند، بلکه باید وسیله راهنمایی او به سوی مقصد باشد، نمودهای طبیعی هم نباید همه توجه شخصی را به طرف خود جلب کند بلکه باید به گونه‌ای، دقت و توجه ما را به سوی خدا معطوف دارد.

ایزوتسو تصور قرآنی درباره آیات غیر کلامی (غیر قرآنی) را با جهان بینی فلسفی کارل یاسپرز - فیلسوف آلمانی - مقایسه می‌کند.

فصل ششم

در این فصل ارتباط کلامی میان خدا و انسان مطرح می‌شود؛ ارتباط خدا با انسان (وحی) و انسان با خدا (دعا) همچنین جنبه گفتاری و جنبه زبانی وحی مورد مطالعه قرار گرفته و تحول معنایی آن از جاهلیت تا اسلام نشان داده شده است. در این رهگذر، مفهوم کاهن و

شاعر نیز می‌آید و با توجه به مفهوم این دو واژه در آن زمان، علت نسبت دادن پیامبر به شاعری و کهنانت ذکر می‌شود.

فصل هفتم

جاهلیت و اسلام، عنوان فصل هفتم است. در این فصل به مفهوم اسلام، خضوع و اطاعت پرداخته می‌شود. «عبد» که یکی از مفاهیم آشنا برای اعراب زمان پیامبر ﷺ بود، از سوی پیامبر ﷺ تخلیه و سپس با مفهوم جدیدی پر شد.

می‌دانیم در زمان پیامبر ﷺ - قبل از اسلام و پس از نزول قرآن - بردگی، عرف جهان و جامعه اعراب بود. بنابر این مردم بخوبی واژه «عبد» را می‌شناختند. قرآن که روح پیام خود را در قالبهای آشنای مردم می‌دمید و از واژگان آنان بهره می‌جست، این واژه را از نظام واژگانی جاهلیت برای یک انسان خاضع در برابر خداوند برگرفت و انسان را به جای عبد انسانی دیگر، عبد خدا خواند. در این فصل واژه‌های حلم، اسلام و جهل از نظر معنا شناختی و ت حول تاریخی آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

فصل هشتم

این فصل، با عنوان «رابطه اخلاقی میان خدا و انسان» فصل پایانی این کتاب است.

سیمای خدا در اندیشه دینی ادیان سامی - یهودیت، مسیحیت و اسلام - یک سیمای اخلاقی است و چون در این نگرش خدا اساساً اخلاقی است، رابطه میان خدا و انسان هم ماهیت اخلاقی پیدا می‌کند. خدای قرآن، خدای بخشنده، مهربان و آمرزنده است و چنین خدایی شکر را که یک واکنش طبیعی است از انسان می‌طلبد.

ایزوتسو می‌گوید: با آمدن اسلام برای نخستین بار در تاریخ اعراب «شکر» یک مفهوم دینی شد و فاصله آن تا «ایمان» یک گام بیش نیست. به تناسب مفهوم «شکر»، مفهوم «کفر» هم که متضاد با «شکر» است، در این فصل بررسی می‌شود.

در بخشی دیگر از این فصل از خدای خشم و غضب بحث می‌شود. صفت شدید العقاب و ذوانتقام او با تحول معنایش از دوران جاهلیت به اسلام در این بخش مورد نظر است.

